

تازه مسلمانانی با شما سخن میگویند

خبر نگار مجله «حضارة الاسلام» در آلمان غربی متن مصاحبات خود را با دوشیزه مونیکا Monika از اهالی چکسلواکی که اخیراً بشرف اسلام مشرف شده است: برای مجله خود فرستاده و در شماره دوم سال پنجم مجله مزبور درج گردیده است.

نظر باینکه موضوعات این مصاحبه بیارپر ارزش و قابل توجه و اهمیت بود ما آنرا ترجمه کرده و از نظر خوانندگان محترم مکتب اسلام میگذرانیم.

س - ممکن است اسم جدیدی که بعد از اسلام انتخاب نموده و اسم قبل از آن و همچنین سن و شغل خود را بیان نمایید؟

ج - اسم من فاطمه؛ زوسکن Zvesken و اسم مسیحی من مونیکا Monika بود در دوم سپتامبر ۱۹۴۳ در شهر نوآیتشاین Nevtitachein چکسلواکی متولد شدم و شغل من نقاشی است و مطالعات فراوانی در قسمت‌های مختلف دارم.

س - بچه‌علت مسلمان شدید؟

ج - مقدمتاً باید عرض کنم که اشخاص غیر مسلمان زمانیکه در برابر این سؤال: محمد فیلسوفی بود؟! یا اینکه از جانب خدا بر او وحی نازل میشد؟ قرار میگیرند و در قسمت دوم سؤال آرامشی در خود احساس کنند، اولین روز نه‌امیدی است که از رحمت خدا پسوی ایشان باز میگردد.

و در عین حال برای خود شخص که بواسطه بحثهای طولانی فطری و ارادی در جستجوی حقیقت است آخرین مرحله بشماره یود...

شناسائی محمد (ص) راهی است که خداوند آنرا برای شناخت حقیقت انتخاب فرموده؛ من قبل از آنکه درباره این دین بیندیشم راهی را که از آن باسلام هدایت شدم پیمودم و در او ائمه و در حدود قدرت و توانائی معلومات متفرقه‌ای از مطالب فلسفی و ادیان مختلف آموختم. من می‌فهمیدم بچیزی احتیاج دارم اما نمیتوانستم آنرا تحدید و تعریف کنم، فقط از راه فطرت درک کردم که آن چیز در وجود من هست و باید بآن دست یابم.

و از آن طرف در اثر بررسی مذاهب مختلف و مسافرت زیاد به کشورهای بیگانه توانستم به ارزش تمدن شرقی واقف گردم!

و از طرف دیگر تماس با عده‌ای از مسلمانان آلمان مرا از اهتمام باین دین باز میداشت و زیاد اتفاق می‌افتاد که اعمال بعضی از آنها نزدیک بود مرا از مطالبه در اسلام منصرف کند، چون مسلمانانی که من می‌شناختم یا این که مردمانی محافظه کار و ارتجاعی بودند و یا از اسلام واقعی

اطلاعی نداشتند ، ولی در عین حال همه آن‌ها را در یک سطح بسیار عالی اخلاقی دیدم . . .
تنها زمانیکه از طریق قرآن و کتابهای اسلامی و از راه معاشرت با استاد عمر در
جهان روحی اسلام گام نهادم ، فرق بین تعالیم عالیه اسلام و بسیاری از عادات شرقی برایم
آشکار گردید !.

من در قرآن خواندم که خداوند هر کس را که بخواهد هدایت کند قلب او را برای پذیرش
اسلام وسعت میدهد ، کم کم میفهمیدم که اسلام دارد مرا جذب میکند و تعالیم درخشان آن عقل و قوت
مرا مورد خطاب قرار میدهد !

سیستم اجتماعی ایده آل اسلام ، تساوی نژادی ، گذشت بی پایان ؛ آزادی
« واقعی » در جمیع شعبون زندگی مادی و معنوی ، توجه بزندگی دنیا بدون
کوچکترین مبالغه در آن ، تشویق بفراتر رفتن دانش تا آنجا که آنرا بر هر مرد و زن مسلمان
واجب نمود ، مقام الائی که بزن عطا فرمود ، و بالاخره علاقه ای که بین افراد و خالق ایجاد
کرد از چیز هائی بود که مرا جذب میکرد .

تا این که در اثر مطالعات زیاد تر بحدیقین رسیدم و یافتم که اسلام تنهاری است که خدا
به بشر تعلیم فرموده و آن راه حق است ، در چنین موقعیت روحی از خواندن کتاب مقدس هم با نداشتم .

س - ممکن است تاریخ تشریف خود را با اسلام بیان کنید ؟

ج - در تاریخ ۲۱ آوریل ۱۹۶۳ رسماً مسلمان شدم .

س - کدام یک از تعالیم اسلام بیشتر مورد توجه شماست ؟

ج - البته خیلی مشکل است که انسان بتواند نواحی تعالیم درخشان اسلام را تحدید کند
و تمام تفصیلات فروع آنرا بدون احاطه به کلیات بفهمد ، چون هر حکمی در اسلام مربوط به حکم
دیگر است ، یا بعبارت صحیحتر همه احکام یکدیگر تعلق دارند و یک فرد مسلمان نمیتواند همت
خود را در یک موضوع متمرکز کند ، زیرا قرآن در همه جهات دنیائی و روحی انسانها
دخالت کرده و در باره هر موضوع و واقعه ای نظر دارد !

اکنون پاسخی که باین سؤال میدهم با توجه به کوتاهی و نارسائی آنست :

در اسلام دو نوع احکام وجود دارد : احکام فردی و احکام اجتماعی ، آنچه که از احکام
فردی اسلام وجهه همت من قرار گرفته ، معلومات و دستوراتی است که روح و عقل مرا پرورش داده
و بسوی کمال سوق میدهد : اما از قسم دوم آنچه که بسیار مورد اهمیت است مبادی اجتماعی ، اقتصادی
و سیاسی اسلام میباشد .

من نظر به مطالعات پر ارزش و عمیقی که در این قسمت دارم خوب میتوانم احکام اسلام را با
آنها تطبیق دهم ، تطبیقی ساده و قابل اجرا .

س - ممکن است چگونگی واکنش خانواده ، دوستان و آشنایان خود را
هنگام تشریف با اسلام ، بیان کنید ؟

ج - عکس العملها باهم فرق زیاد داشت ، و این فرصت بسیار حساسی بود که من توانستم نزدیکان
خود را خوب بشناسم :

مادر در حالیکه اشک در چشمانش حلقه زده بود ، گفت : سعادت و رضای تو از من که مادر تو هستم اهمیتش زیادتر است !

جده ام با یک بررسی کوتاهی از اسلام چنین گفت : اسلام بسیار دین زنده ایست و من قبلا حتی تصور آنرا نمی کردم !

یکی از دوستانم با کمال صراحت ، سخت مرا ایاد انتقاد گرفت و گفت : شکی ندارم که تو خیانت کردی ! و تصمیم گرفته است با من قطع رابطه کند .

و بطور کلی من با افکار مختلفی روبرو شدم : از تقدیر و اظهار خوشوقتی گرفته ، تادشمنی صریح و در این میان هم عده زیادی بی منطق و بالا بایی بودند .

س - بعقیده شما بهترین وسیله برای نشر و ترویج تعالیم اسلامی چیست ؟
ج - با کمال تأسف در وضع حاضر امکانات زیادی برای مسلمانان وجود ندارد (۱) و ساده ترین وسیله ای که یک فرد کارگر یا دانشجو میتواند استخدام کند عبارت است از: پرورش نمونه خوب، نظافت، تهذیب اخلاق، عمل به فرائض دینی و نشان دادن یک صورت مثبت از اسلام بدیگران . اما اگر یکی از افراد غیر مسلمان بخواهد حقیقت اسلام را درک کند و در جهان روحی اسلام غور نماید ، مسلمین از نشان دادن راه و بوجود آوردن امکانات برای او عاجز هستند ، یعنی تربیت صحیح اسلامی در جوامع مسلمین کمتر وجود دارد ! .

بنابراین بر همه برادران و خواهران مسلمان لازم است که به نزدیکترین اجتماع اسلامی بپیوندند و روابط خود را محکمتر کنند، و بوسیله تماس با دانشمندان اسلامی بر سطح معلومات خود بیفزایند تا بتوانند با تجهیزات کامل اسلام را بدیگران معرفی نمایند .

بهترین شالوده ای که اکنون ممکن است انتشار سریع اسلام را بر آن نهاد ، اتحاد ممالک اسلامی است .

من معتقدم تبلیغات ضد اسلامی که اساس دولتهای غیر اسلامی قرار گرفته برای اینست که آنها فاجعه بزرگی را در برابر چشمان خود می بینند و آن فاجعه هولناک اتحاد جهان اسلام است و از همین جهت است که برای اغراض سیاسی کوشش دارند که با نیروهای اسلامی روابط حسنه بر - قرار نمایند .

یک راه دیگر برای نشر اسلام این است که بوسیله مساعدتهای منظم مالی مساجد و مراکز فرهنگی تأسیس گردد ، و همچنین ترجمه هائی از قرآن مجید و تألیفات پر ارزش اسلامی منتشر شود چون در وضع فعلی اغلب ترجمه ها و کتب اسلامی ناقص و گاهی با روح اسلام منافات دارد !

البته این مطلب راهم نباید از نظر دور داشت که ضرورت نشر اسلام اختصاص به بلاد غیر اسلامی ندارد؛ بلکه معرفی حقیقت اسلام در بین خود مسلمین در درجه اول اهمیت قرار گرفته است .

با توجه با آنچه که گفته شد و جهانی بودن اسلام و موقعیت حساسی که در جهان کنونی احراز نموده و با قدرتی که برای بررسی تمام احتیاجات انسان عصر حاضر دارد ، ما میتوانیم

(۱) یا اگر هم وجود داشته باشد با کمال تأسف اغلب مسلمین درک نکرده و قدرت

بهره برداری از امکانات را ندارند مترجم

پیروز گردیم .

س - در حال حاضر قضاوت شما در باره مسلمانان جهان چیست ؟

ج - متأسفانه مسلمانان در وضع ناگواری بسر میبرند ، معجونی از عادات غیر اسلامی و تعالیم اسلام در میان آنها رواج دارد ، ومن از راه مطالعه تاریخ تمدن به علت این انحطاط و عقب افتادگی بی بردم .

عوامل مخرب جهان غرب برای مسلمین فاجعه بزرگی است ، دستگاههای رهبری ملت‌های مسلمان رو بضعف نهاده ، حکومت‌ها سعی دارند از آنچه که نام غربی بر آن نهاده شده کور کورانه تقلید نمایند و بجای آنکه یک دولت اسلامی را رهبری کنند اجتماعات خود را بسوی زندگی مادی اروپائی سوق میدهند .

اکنون بر تمام ملت اسلام و کسانی که هدفشان ربط افکار صحیح روز با قواعد اصیل اسلامی است و می‌خواهند تمام ملت اسلام با هم متحد گردند ، لازم است که این مسلمانان غرب زده ؛ را از عواقب وخیم این دگرگونی آگاه سازند .

س - آرمان و هدف شما در زندگی چیست ؟

ج - دوست دارم استاد یکی از دانه نگاههای اسلامی گردم و معلوماتی را که کسب نموده‌ام در راه نشر اسلام بکار برم و همچنین حقوق و امتیازاتی را که خدای متعال از راه اسلام به زنها داده و بآنها مقامی بس بلند و ارجدار مرحمت فرموده ، رای زنها را مشرق زمین که قدر خود را نمیدانند ، بیان کنم . . .

صرف نظر از همه اینها ، هدف اصلی مرا ، تعمق در اسرار قرآن تشکیل خواهد داد .

س - بنظر شما مسلمانان مقیم اروپا بچه احتیاج دارند ؟

ج - مسلمانان اروپا برای اینکه در گرداب فساد و تباهی که لازمه زندگی اروپائی است نیافتند ، احتیاج مبرمی به کمکهای مالی و اخلاقی دارند .

تمام مسلمانان اروپا باید دارای جمعیت‌های منظم و متشکلی باشند و پرواضح است که هر تشکیلاتی احتیاج به رهبر و پیشوا دارد و بدون کمک مالیه هم دوام پیدا نخواهد کرد ، اکنون هر يك از اقرا در مسلمان در هر نقطه‌ای از نقاط اروپا بسر میبرند ، میتوانند در تاسیس مساجد و مراکز دینی سهم داشته باشند و اگر در همه جا نمیتوانند مسجد بنا کنند لا اقل اطای را برای برگزاری نماز جماعت و جلسات مذهبی اختصاص دهند .

* * *

دوشیزه فاطمه! از شما صمیمانه تشکر میکنم و این دین جدید را بشما تبریک میگویم .

ما بوجود شما مباحثات میکنیم و بخود تهنیت میگوئیم .

آفرین بر تو ای خواهر مسلمان! انتساب شما بما و پیوستن شما به اجتماع مسلمین بسیار ارزش و گرانقیمت است .

و نر جو لك التوفیق و الثبات و السعادة و بارك الله بك . و السلام (۱)